

اشاره: انتخابات پیش رو از چند جهت حائز اهمیت است: اول آنکه دولتی که بر سر کار است نگاه غیر انقلابی غربگرا داشته و با دست فرماتی که تا امروز بر مدیریت کشور رانده است، ناکار آمدی‌های بسیاری را حاصل آورده که ادامه این مسیر ممکن است منجر به قلع جمهوری اسلامی شود، از طرف دیگر جناح منتقد چه در سطح نخبگان و چه در سطح بدنه اجتماعی هنوز نتوانسته به یک انسجام درونی برسد تا پایگاه اعتراض نسبت به وضع موجود یکپار چه شود، لذا عمل سیاسی در این لحظه تا انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم مهم خواهد بود. آنچه پیش رو است راهکاری است که بتواند تا حدودی جریان انقلابی را به اجماعی نظری و عملی بر سر یک سیاست‌ورزی عقلانی بکشانند.

■ **نزاع گفتمانی به جای رفتارهای غیرعقلانی**

آنچه در ابتدای امر حائز اهمیت است این است که به‌جای نقدها و رفتارهای غیرعقلانی که دولت را در جایگاه دفاع از خود بربرد باید به یک‌نزاع گفتمانی با دولت پرداخت که بتواند این پایگاه اعتراض را یکپارچه کند، به همین منظور ابتدای امر باید درباره گفتمان و چگونگی شکل‌گیری آن توضیحاتی ارائه شود.گفتمان به معنای مجموعه یا دستگاهی بیشنی است که از اه واژگان و گفتارهای نهادینه شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی نیز سایه می‌اندازد بی‌آنکه کاربران همواره بر این ذهنیت و خصلت خاص تاریخی آن خودآگاه باشند. در واقع گفتمان به مثابه نظامی از معانی است که واسطه رابطه ما با جهان خارج است و ما همواره از دریچه یک گفتمان به جهان رخدادها، پدیدهها و مسائل نگاه می‌کنیم و دسترسی ما به جهان خارج مستقیم نیست. هر گاه یک نظامی از معانی در محیط عمومی یک جامعه یا یک گروه حالت غالب و هژمونیک پیدا کرد به طوری که اعضای آن جامعه یا گروه از دریچه آن نظام معانی، به تفسیر جهان خارج پرداختند، آن نظام از معانی، صورت گفتمانی برای آن جامعه و گروه پیدا می‌کند. به تعبیر دیگر یک گفتمان، مجموعه‌ای از نشانه‌ها (دال و مدلول) است که با هژمونیک شدن آن در یک جامعه، اعضای آن جامعه، برخی نشانه‌ها را «فرخوان» و برخی را «طرده» می‌کنند. آنچه در نظریه گفتمان به آن رجوع بسیار می‌شود، پس‌زمینه ذهن جامعه است. همه یک چیز را در پس‌زمینه ذهن خود و در ضمیر ناخودآگاه خود دارند اما دقیقاً مختصات آن را نمی‌شناسند. گفتمان‌ها برای شکل‌گیری، به زمینه‌ها و بسترهای واقعی نیازمندند. در واقع همواره متناسب با شرایط واقعی ذهنیت، صورت نسبتاً عمومی و مشترکی وجود دارد اما این ذهنیت به صورت مجمل و پراکنده و با مقداری ناخودآگاهی در اندان شکل گرفته است. لذا از طریق گفتمانی که عرضه می‌شود، به آن فضاهای مبهم و مجمل، نظم و انسجام و خودآگاهی می‌دهد به طوری که به لحاظ اجتماعی، با طرح این گفتمان، افکار عمومی آن را دغدغه و صورت مطلوب خود می‌داند و این عبارت را بر زبان می‌آورد که «این همان چیزی است که ما می‌خواستیم».

■ **ویژگی‌های توانمان نظم گفتمانی**

گفتمان ۲ ویژگی توانمان دارد:

اولا منظومه‌ای از معانی و شبکه‌ای از نشانه‌هاست، ثانیاً در یک گروه یا جمع یا جامعه حالت مسلط و هژمونیک دارد که ویژگی دوم در تعیین جغرافیای تغییرات گفتمانی کلیدی است. یعنی صورت‌بندی‌های فکری و اندیشه‌ای برای گفتمان شدن، به موقعیت‌هایی نیازمندند که سلطه آنها بر فضای اجتماعی را نشان بدهد یا لاقلاً اجازه تفسیر قابل پذیرشی از غلبه آن را بر جامعه مورد نظر به وجود آورد. تغییرات گفتمانی را در ۲ سطح تغییرات «برون گفتمانی» و «تغییرات درون گفتمانی» تقسیم‌می‌کنند. در تغییرات درون گفتمانی، گفتمان مادر در کلیت پذیرفته می‌شود اما در مفصل‌بندی دال‌ها

یا در معنی و مصداق دال‌ها (مدلول‌ها) دگرگونی و تغییر رخ می‌دهد اما در تغییرات برون گفتمانی، گفتمان مستقر در کلیت در هم شکسته می‌شود و به طور مبنایی دگر رادیکالی بر جای آن می‌شینند. به طور مثال انقلاب اسلامی در صورت‌بندی یک گفتمان، یک تغییر برون گفتمانی است که گفتمان حاکم را در کلیت به چالش کشانده و فرومی‌پاشد. در گفتمان پیشانقلاب اسلامی، سکولاریزم، سلطنت و فریگرایی، دال‌های اصلی‌اند در حالی که در گفتمان انقلاب اسلامی، اسلامیسیم، جمهوری و نافربریگرای، دال‌های اصلی و صورت‌بخش آن هستند. همچنین

انقلاب که فرآیندی برساختر است، گفتمان خود را صورت‌بندی می‌کند.

■ **تغییرات درون گفتمانی در جمهوری اسلامی**

مثال تغییرات درون گفتمانی، تغییراتی است که در گفتمان‌های بعد از انقلاب

اسلامی مثل سازندگی رخ داده است که دال مرکزی خود را بر «رشد اقتصادی» و طرد دال‌هایی مثل آزادی و عدالت استوار کرده است اما خود را لاقلاً به صورت افلامسی درون گفتمان انقلاب اسلامی تعریف کرده است و از درون سااخترهای رسمی جمهوری اسلامی یعنی یک انتخابات، فرصت استقرار گفتمانی خود را پیدا کرده است، بنابراین روندهایی مثل انقلاب و انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، جغرافیایی هستند که محمل تغییرات گفتمانی‌اند. البته بنابر همین تلقی، جنبش‌های اجتماعی نیز در معنای محدودتری می‌توانند محمل تغییرات گفتمانی باشند و حدفاصل تغییرات درون و تغییرات برون گفتمانی قرار گیرند، بنابراین جغرافیای تغییرات گفتمانی در ایران، انقلاب، جنبش اجتماعی و انتخابات است. تجربه نشان داده است تغییرات درون گفتمانی در جمهوری اسلامی حول و حوش انتخابات ریاست‌جمهوری اتفاق افتاده است. تغییر از گفتمان دهه اول انقلاب که مقاومت، جهاد، استقلال، آمرانگرایی، معنویت و عدالت و توده‌گرایی دال‌های اصلی



انتخابات ریاست‌جمهوری آتی چه آرایشی خواهد داشت؟

ناکارآمدی، پاشنه آشیل دولت

■ میکائیل دیانی

آن بود به گفتمان دوره سازندگی که رشد اقتصادی، سازندگی مادی، رفاه، نخبه‌گرایی و مصلحت‌گرایی سیاست خارجی از دال‌های اصلی بود از محمل انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ و تعبیر دولت رخ داد. همچنین تغییر گفتمان از سازندگی به اصلاحات با دال‌های آزادی، جامعه مدنی، توسعه سیاسی و… در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۷۶ انجام شد و نیز تغییر گفتمان از اصلاحات به گفتمان سوم تیر با دال‌های اصلی عدالت، توده‌گرایی، آرمانگرایی در سیاست خارجی و… در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ اتفاق افتاد. همواره گفتمانی بر گفتمان مستقر غلبه کرده است که بیش از دیگر رقبای مفروض

و محقق، در جایگاه «صَدیّت» و «خصوصت» قرار داشته است؛ گفتمان عدالت در برابر گفتمان آزادی در انتخابات سال ۸۴ و ناکامی گفتمان‌هایی که یا از تداوم (معین) یا از ضدیت کمتری (قالیباف و هاشمی) برخوردار بودند یا گفتمان توسعه سیاسی و آزادی در برابر گفتمان توسعه اقتصادی و رشد در سال ۷۶ و ناکامی گفتمان‌هایی که از تداوم (ناطق نوری) یا از ضدیت کمتر (ری‌شهری) برخوردار بودند، بنابراین ضدیت رادیکال با گفتمان مستقر یک زمینه برای گفتمان آینده‌است.

■ **در دسترس بودن گفتمان**

مسئله بعدی در تعیین گفتمان آینده، ویژگی «در دسترس بودن» نشانه‌های گفتمانی است که خود را در ضدیت

رادیکال با گفتمان مستقر تعریف می‌کند. در سال ۷۶ در برابر گفتمان سازندگی، ۲ گفتمان آزادی و عدالت به عنوان دال‌های طرد شده آن گفتمان، فرصت هژمونیک شدن داشتند، چون هر دو سیمایی خصوصت‌آمیز در برابر گفتمان مستقر داشتند اما آزادی صورت گفتمانی پیدا کرد، چون نشانه‌های آزادی در شعارها و نصاد خاتمی در دسترس اجتماعی بود اما نشانه‌های عدالت نه! همچنین اگرچه در سال ۸۴ زمینه و شرایط برای استقرار عدالت به صورت یک گفتمان در تقابل با گفتمان توسعه‌گرایی اقتصادی و سیاسی وجود داشت اما بدون احمدی‌نژاد و دال و مدلول‌های کلّامی و غیر کلّامی او که توانست نشانه‌های عدالت را صورت‌بندی کند، امکان استقرار پیدا نمی‌کرد. با ظهور احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۴، عدالت نشانه‌های در دسترس پیدا کرد. در نتیجه فرصت گفتمان شدن یافت.

■ **توانایی جمع کردن مطالبات متکثر**

چهارمین مسأله در امکان استقرار چیزی به‌عنوان گفتمان، توانایی آن به شکلی است که بتواند مطالبات متکثر و بعضاًمتخالف را در سپهر گفتمانی خود جمع کند. در سال ۷۶ دال آزادی توانست مدلول‌های متفاوتی پیدا کند تا مطالبات متکثر اجتماعی را نمایندگی کند. آزادی از یک سو مخالفت با جناح راست که به انحصارطلبی و اهل محدودیت در آزادی مشهور بود، تفسیر می‌شد، بنابراین مخالفان جناح راست را با شعار آزادی همراه می‌کرد و از سوی دیگر مخالفت با هاشمی تفسیر می‌شد که نماد یک چهره اقتدارگرا شناخته می‌شد، بنابراین مخالفان هاشمی را نیز به اردوگاه آزادی پیوند می‌زد. آزادی همچنین به صورت نمادین اعتراض به وضع موجود و دوره ۸ سال سازندگی بود، بنابراین همه کسانی را که مخالف وضع موجود بودند به آزادی ملحق می‌کرد. در سطوحی شعار

آزادی که با مباحثی مانند جامعه مدنی نیز توانان می‌شود، به آزادی تلقی اپوزیسیونی می‌داد، بنابراین بخش‌هایی را که در مقام مخالفت با جمهوری اسلامی بودند نیز توانست نمایندگی کند. دال عدالت در سال ۸۴ نیز توانست بین مطالبات متکثر جمع و



انتخابات ریاست‌جمهوری آتی چه آرایشی خواهد داشت؟

انتخابات ریاست‌جمهوری آتی چه آرایشی خواهد داشت؟

چندین مدلول پیدا کند. عدالت در سطحی به مدلول مخالفت با وضعیت موجود حتی ۱۶ سال گذشته ماقبل خود تبدیل شد و همه مخالفان آنها را با خود همراه کرد. همچنین عدالت مدلول ایدئولوژیک پیدا کرد و بدنه‌ای که عدالت را در چهره اسلامی بنیان ایدئولوژی خودمی‌دانستند، با آن پیوند خوردند. عدالت همچنین در بخش‌های بزرگ اجتماعی جامعه‌که به لحاظ جغرافیایی حاشیه‌نشین و به لحاظ اقتصادی جزو طبقات محروم قلمداد می‌شوند، یک مطالبه بی‌چون و چراست، بنابراین توانست این بخش بزرگ اجتماعی را با دال عدالت پیوند بزند.

■ **تکثر: وضع موجود فضای اجتماعی کشور**

۱-۳- کم شدن درآمد ملی از حوزه نفتی تا حد نصف بر اثر توطئه نفی ۲ کشور آمریکا و عربستان (که تلاش دولت طی دو سال اخیر همکاری با آنها بوده است)
۱-۴- افزایش شکاف طبقاتی و بالا رفتن ضریب جینی جامعه
۱-۵- تعطیلی بنگاه‌های بزرگ تولیدی کشور طی ۴ سال اخیر
۱-۶- پایین آمدن ارزش پول ملی

۲- مبتنی بر ایده دولت باید عزت و اعتبار به پاسپورت ایرانی بازمی‌گشت اما در ناکارآمدی این ایده همین بس که:

۱-۲- دانشجویان ایرانی مشغول تحصیل در

اروپا اخراج شدند

۲-۲- سفیر ایران در سازمان ملل راه داده نند و ایران به نظر آمریکایی‌ها تمکین کرد
۲-۳- تهدید کشور ۸۰۰ هزار نفری جیبوتی به جنگ علیه ایران
۲-۴- تجاوز به نوجوانان در فرودگاه جده
۵-۲- توهین عربستان و ویزا ندادن به نمایندگان ایران؛ زانو زدن وزیر امور خارجه جلوی پای امیر کویت و اتفاقات دیپلماتیک پیرامون فاجعه منا.

آنچه از شرایط سیاسی کشور می‌توان به وضوح فهمید، بزرگ‌ترین رقیب روحانی در سال ۹۶، خودش و عملکردش است و آنچه پاشنه آشیل روحانی است، ظرفیت روحانی است، ظرفیت روحانی‌اش برای کشور به

آنچه از شرایط سیاسی کشور می‌توان به وضوح فهمید، بزرگ‌ترین رقیب روحانی در سال ۹۶، خودش و عملکردش است و آنچه پاشنه آشیل روحانی است، ظرفیت روحانی است، ظرفیت منفی‌ای است که ناکارآمدی‌های وی و ایده مدیریتی‌اش برای کشور به ارمان آن بوده است که هر روز «نه به روحانی» را در جامعه تقویت می‌کند. ظرفیت‌های منفی که در کنار روشن شدن خلاف واقع‌گویی‌های روحانی درباره برجام به‌عنوان مثال آفتاب مقابل بی‌عایدی خواندن توسط سیف هر روز بیشتر می‌شود. روحانی باید به‌عنوان نماد ناکارآمدی در نظم گفتمانی آینده مشخص شود و در برابر آن با توجه به شرایط موجود و آنچه به‌عنوان نظم گفتمانی و شرایط موجود آمنش بیان کردیم، «گفتمان کارآمدی» می‌تواند گفتمان کارایی برای اجماع پایگاه اعتراض به وضع موجود باشد که به آن اجمالا خواهیم پرداخت که یک منطبق نظری دارد و یک رفتار سیاسی که منتقدان دولت باید به هر دوی آنها پایبند باشند.

۱- **جولوگیری از دوقطبی‌سازی‌های کاذب**

جولوگیری از دوقطبی‌سازی در نگاه ابتدایی حرفی است تکراری که از رهبری تا خردترین جریان‌ها آن را تکرار کرده‌اند و برای خواننده حرف تازه‌ای به نظر نمی‌رسد اما در تمام این تکرارهای درستی از آنکه با چه دوقطبی مخالفت شود و جلوی بروز چه دوقطبی گرفته شود و در مقابل آیا دوقطبی مثبتی هم وجود دارد که در تلاش تقویت آن بر بیابیم؟ گفته نشده است. تجربه سال ۸۸ نشان می‌دهد یکی از دلایل ایجاد دوقطبی‌ی افراط و تفریط در حب و بغض‌ها نسبت به افراد بوده است به همین خاطر نیروهای انقلاب باید جلوی شکل‌گیری این دوقطبی را با شکل‌دهی ضلعی دیگر که وزنه اجتماعی و مقبولیت عمومی هم‌داشته‌باشد بگیرند یا لاقلاً کمربند کنند. در کنار این دوگانه ناصحیح که به شکاف اجتماعی و بروز تنش منجر می‌شود، دوگانه‌های غلط دیگری نیز می‌تواند نیروهای انقلابی را بازنده انتخابات کند که مهم‌ترین آن دوقطبی‌سازی بر سر مساله هسته‌ای است که جریان اصلاح‌طلب به درستی تلاش دارد با ادبیات «برجامیان و غیربرجامیان» آن را در جامعه تثبیت کند. اتفاقی که با ورود سعید جلیلی به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ افتاد این بود که گفتمان انتخابات از مساله «بیشرفت درون‌زا» که در آن روحانی ظرفیت منفی را داشت، به مساله «هسته‌ای» کشیده‌شد و روحانی با سوار کردن این گزاره که «چرخ سانت‌فیور

بچرخد، چرخ اقتصاد مردم هم بچرخد» هسته‌ای و اقتصاد را بهم گره زد و بازی را برد، حال آنکه اساس شکل‌گیری دوگانه بر سر مساله هسته‌ای، دوگانه غلطی بود. اما آنچه با توجه به این شرایط می‌تواند برای این جریان گره‌گشا باشد آن است که روی گزینه‌ای تمرکز شود که در درجه اول «حس نفرت اجتماعی» از سوی هر جریان-ی چه بالای شهر چه پایین شهر، چه مذهبی، چه غیرمذهبی، چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا- نسبت به وی وجود نداشته باشد و در درجه ثانی ظرفیت این را داشته باشد که بشود با او «دوگانه کارآمدی» را ساخت. آنچه این فرد باید داشته باشد نه «بگم‌بگم»‌های سیاسی است و نه ناکارآمدی‌های اجرایی و وعده‌های توخالی؛ و البته بین گزینه‌ها مقبولیت و رأی‌آوری را هم داشته باشد که اصلحیت در مقام انتخابات شامل مقبولیت هم می‌شود.

۲- **ارائه کابینه و برنامه به جای سهم‌خواهی سیاسی**

آنچه در انتخابات مجلس شورای اسلامی دهم برای نیروهای انقلاب پاشنه آشیل شد، سهم‌خواهی احزاب و گروه‌های سیاسی ذیل اصولگرایی بود که با بی‌توجهی به بدنه ایدئولوژیک انقلاب تصمیم به بستن لیست گرفتند. نتیجه این اقدام که ناشی از بی‌توجهی به امر اجتماعی و فرآیند پایین به بالا بود، آن شد که در نگاه انتخابات که جریان مقابل و همه نیروهای فعال و ایدئولوژیکش در تلاش برای جمع‌آوری آرا بودند، بدنه فعال و ایدئولوژیک انقلابی در اثر سرخوردگی با بی‌میلی تمام و بدون تکاپوی انتخاباتی هفته تبلیغات را گذارند و پای صندوق رأی رفت، همین مساله در نظرسنجی‌ها نمایان شد که در هفته پایانی رأی لیست امید روند صعودی داشت اما لیست اصولگرایان بدون تغییر باقی ماند. لذا برای انتخابات ریاست‌جمهوری جریان انقلابی با محور قرار دادن آرای اجتماعی و نظر بدنه باید شروع به بررسی گزینه‌ها با تطبیق با گفتمان کارآمدی بکند و ۲ شرط «صلاحیت» و «آی‌ساز بودن» افراد مختلف را برای معرفی یک کابینه منسجم، جوان و پرنutzerی در کنار آن گزینه اصلی برای ریاست‌جمهوری‌میسر کند.

■ **دال‌های گفتمانی کارآمدی**

متناسب با بحثی که درباره ویژگی «صَدیّت و خصوصت» برای برتری‌های گفتمانی کردیم، مفصل‌بندی‌ای از دال‌های ظرفیت رقابت با گفتمان دولت مستقر را دارا هستند که از این ویژگی برخوردار باشند. دال‌های اصلی گفتمان دولت یازدهم را متناسب با فضای نظری و مشی عملی یک ساله می‌توان بر «توسعه برون‌زا»، «رشد اقتصادی»، «نخبه‌گرایی» و «فریگرایی توأم با تعدیل استقلال» استوار کرد، بنابراین «درون‌زایی»، «عدالت»، «استقلال» و «هردمگرایی» دال‌های طرد شده گفتمان مستقر دولت هستند که می‌توانند در مفصل‌بندی گفتمان کارآمدی به‌عنوان رقیب گفتمان دولت مورد توجه اجتماعی قرار گیرند.

■ **توجه به امر اجتماعی به جای تحلیل‌های سیاسی**
در تعریف «هر سیاسی» آن را امری بالا به پایین می‌نامند. در مقابل «هر اجتماعی» که یک فعالیت پایین

به بالاست یعنی اینکه امر سیاسی در ساخت قدرت مثل تصمیمات دولت یا نظام شکل می‌گیرد اما امر اجتماعی در مناسبات و روابط اجتماعی خود را نشان می‌دهد. مناسبات اجتماعی هم لا‌بنده‌ی‌های متفاوتی دارند، عمیق‌ترین آنها نظام آرزش‌هاست، بعد نهادهای اجتماعی و بعد از آن نموها و نمادهای اجتماعی قرار دارند. منظور از نظام آرزش‌ها آرزش‌های درجه اول یا آرزش‌های برتر است مثل عدالت، معنویت، استقلال که باقی آرزش‌ها هم تحت آنها به نسبت با آنها تعریف می‌شوند، مثلاً زمانی که در دهه ۶۰ معنویت آرزش برتر است، حجاب و امر به معروف یک مساله کلاما حل شده و پذیرفته شده‌است اما وقتی در دوران کارگزاران آرزش برتر ثروت‌اندوزی و مادی‌گرایی می‌شود، به تبع آن الگوهای جامعه‌می‌شوند همان طبقه مرغه و عموماً لاقید همین طور در سلسله جامعه، بدججایی از ناهنجاری به یک هنجار بدل می‌شود. قسم دوم‌نهادهای اجتماعی که شامل گروه‌ها و سازمان‌های می‌شوند که اجماع از فعالیت آنها و روابط فی‌مابین آنها تحرک دارد و در ذیل آن هم نموها و نمادهای اجتماعی هستند که مشخص گر و تعریف‌کننده همین روابط نیز هستند، برای مثال همین حجاب یک نمود و نماد اجتماعی از یک نهاد اجتماعی است. درباره امر اجتماعی و جریان انقلابی یا حزب‌اللهی باید گفت آن چیزی که درباره این جریان به وضوح مشخص است آن است که جریان انقلابی در بیشتر مسائل کشور راهکارهای بسالا به پایینی را بر راهکار‌های اجتماعی ترجیح می‌دهد یعنی در بسیاری از موضوعات حتی موضوعاتی کلاما اجتماعی مانند «مساله حجاب» نیز راهکارهای سیاسی دارد. البته نباید منکر این موضوع شد که جریان‌های اجتماعی در حضور در قدرت می‌توانند تأثیر بسزایی بر جامعه بگذارند اما باید به این نکته توجه کرد که رابطه امر سیاسی و امر اجتماعی در ساختار کشور دست‌کم به دلیل وجود انتخابات و سازو کار آن، اهمیت مضاعف دارد و نیز نمی‌تواند یک‌سویه باشد یعنی بالا به پایین باشد یعنی امر سیاسی بر امر اجتماعی حاکم باشد. در تجربه جمهوری اسلامی در بعضی از مقاطع، قوت با امر سیاسی بوده است یعنی بیشتر امر سیاسی بر امر اجتماعی تأثیر گذاشته است. این موضوع بیشتر در دهه ۶۰ و نیمه ابتدایی دهه ۷۰ پررنگ‌تر بوده است اما هرچه جلوتر آمدیم، وزن امر اجتماعی بیشتر معطوف به این امر باشد، نه امر سیاسی. در انتخابات آتی باید چه در فرآیند تعیین گزینه‌ها و چه در رفتار‌های سیاسی، امر اجتماعی بر تحلیل سیاسی غلبه داشته باشد.

متناسب با بحثی که درباره ویژگی «صَدیّت و خصوصت» برای برتری‌های

گفتمانی کردیم، مفصل‌بندی‌ای از دال‌هایی ظرفیت رقابت با گفتمان دولت مستقر را متناسب با فضای نظری از این ویژگی بر‌خوردار باشند. دال‌های اصلی گفتمان دولت یازدهم را متناسب با فضای نظری و مشی عملی یک ساله می‌توان بر «توسعه برون‌زا»، «رشد اقتصادی»، «نخبه‌گرایی» و «فریگرایی توأم با تعدیل استقلال» استوار کرد، بنابراین «درون‌زایی»، «عدالت»، «استقلال» و «هردمگرایی» دال‌های طرد شده گفتمان مستقر دولت هستند که می‌توانند در مفصل‌بندی گفتمان کارآمدی به‌عنوان رقیب گفتمان دولت مورد توجه اجتماعی قرار گیرند

امر اجتماعی بیشتر شیفت پیدا کرده است. جریان حزب‌اللهی در کشور ما بیشتر بر امر سیاسی یعنی امر بالا به پایین توجه و تمرکز داشته و این باعث غفلت این جریان از امر اجتماعی شد است. در حالی که به نظر می‌رسد خود این جریان به‌عنوان یک جریان اجتماعی باید بیشتر معطوف به این امر باشد، نه امر سیاسی. در انتخابات آتی باید چه در فرآیند تعیین گزینه‌ها و چه در رفتار‌های سیاسی، امر اجتماعی بر تحلیل سیاسی غلبه داشته باشد.